

«ایرانیان» در نگاه «دیگران» (مطالعه موردی: دوره باستان) فائزه عقیقی^۱

چکیده

برای شناخت هر ملتی، بررسی دو حوزه ضروری است؛ نخست، «تصویر آن ملت از خود» و دوم، «نگاه دیگران یا بیگانگان، به ایشان». اگرچه مردم هر جامعه‌ای به لایه‌های درونی «خود» آگاه‌اند، جزئیات و ظرایفی نیز وجود دارد که تنها در نگاه «دیگری» به «خود» هویداست و نمی‌توان آنها را نادیده گرفت؛ زیرا این جزئیات می‌توانند در تحلیل نهایی از شناخت آن جامعه بسیار تأثیرگذار باشند. در این مقاله تلاش شده است تا محورهای برجسته و مشخصی که در تصویر «ایرانیان دوره باستان» در نوشته‌ها و مکتوبات «مورخان و گردشگران بیگانه هم‌عصر خود»، منعکس شده است، واکاوی شود. آثار بررسی‌شده، مستندات متعلق به نویسندگان یونان و روم باستان از جمله هرودوت، گزنفون، پلوتارک، پروکوپئوس، استرابو، آمیانوس مارسلینوس، آیسخولوس و... است. منظور از تصویر منعکس‌شده از ایرانیان، سنت‌ها، خصوصیات، عادات و ویژگی‌های رفتاری برجسته‌ای است که به‌صورت عمومی درباره ایرانیان (چه مردم عادی و چه شاهان و...) بیان شده است. روش گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و شیوه تحقیق، تحلیل کیفی با راهبرد تحلیل مضمون است. یافته‌ها نشان می‌دهد، نویسندگان یونان و روم باستان بیشتر به محورهای سنت، آداب، خصوصیات و عادات ایرانیان توجه داشته‌اند. در این میان، رویکرد هر نویسنده، متناسب با موقعیت کاری و زمینه تفکر و اندیشه وی، در توجه و گزینش محورها و خصوصیات، تأثیرگذار بوده است.

واژه‌های کلیدی: ایرانیان، یونانیان، رومیان، باستان، عادات، رفتار، نگاه دیگران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

۱. دکتری ایران‌شناسی، گروه ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشگر بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران.

Faezehaghi59@gmail.com

مقدمه

شناخت خصوصیات، سنت‌ها و عادات مردم یک جامعه، نه تنها به شناخت فرهنگ آن جامعه کمک شایانی می‌کند؛ بلکه می‌توان این موارد را جزئی از فرهنگ آن جامعه دانست. در واقع، یک جامعه با شناخت جزئیات رفتاری مردم خود، بهتر می‌تواند از استعدادها و ظرفیت‌ها برای موفقیت بیشتر بهره‌مند شود و علل رکود و واپس‌گرایی را در خود شناسایی کند. از یک‌سو، شناخت گذشته، راهگشای آینده است و از سوی دیگر، وقتی جامعه نسبت به خود، شناخت کاملی پیدا کند، متوجه تمایز و تفاوت خود با دیگر جوامع می‌شود. واقعیت‌های تاریخی نشان می‌دهد که بسیاری از دولت‌های استعماری در تاریخ با توجه به چنین شناختی، کشور مستعمره خود را تحت سیطره و کنترل خود درآورده‌اند.

در این میان، نگاه افراد خارجی به یک ملت، با نگاه افراد همان جامعه به خودشان متفاوت است. هرچند منظر دسته اول را به دلیل ناآشنایی کامل با فرهنگ ملت دیگر، نمی‌توان کامل پذیرفت؛ اما بررسی آن ضروری است و به‌ویژه در کنار نگاه یک جامعه به خود، سبب ارائه تحلیل نسبتاً جامعی خواهد شد؛ زیرا قطعاً در نگاه مردم یک سرزمین به خود نیز کاستی‌هایی وجود دارد و نمود بسیاری از خصوصیات و حتی ارزش‌ها، با واقعیت موجود متفاوت خواهد بود. بنابراین، مجموع دو نگاه «بیرونی» و «درونی» مفید خواهد بود. به‌ویژه آنکه به عقیده نگارنده، شناخت هر موضوعی از بررسی لایه‌های بیرونی آن آغاز می‌شود. در این مقاله تلاش شده است، تصویری که از «ایرانیان دوره باستان» در نوشته‌ها و مکتوبات «مورخان و گردشگران بیگانه هم‌عصر خود»، منعکس شده، الگویابی و محورهای برجسته آن مشخص شود. دوره بررسی شده در این پژوهش، دوره باستان، یعنی از دوره هخامنشی تا دوره ساسانی است. از آنجاکه پیوستگی دوره مادی با دوره هخامنشی بسیار زیاد است، در چند مورد به مادی نیز اشاره شده است. آثار بررسی شده، مستندات متعلق به نویسندگان یونان و روم باستان، از جمله هرودوت، گزنفون، پلوتارک، پروکوپئوس، استرابو، آمیانوس مارسلینوس، سیسیلی آیسخولوس، افلاطون و... است. منظور از تصویر منعکس شده از ایرانیان، خصوصیات، عادات و ویژگی‌های رفتاری برجسته‌ای است که به‌صورت عمومی درباره ایرانیان درج شده است. لازم به توضیح است برخی از نویسندگان مانند مارسلینوس، پروکوپئوس و آیسخولوس در فضای نظامی و لشکرکشی با

مردم ایران آشنا شده‌اند. طبیعتاً اینان نظامیان ایرانی را مدنظر داشته‌اند. برخی دیگر مانند گزنفون و پلوتارک بیشتر با طبقهٔ دربار در ارتباط بوده و عادات و سنن ایشان را از نزدیک دیده‌اند. افلاطون، جامعهٔ ایرانی را در قالب حکومت‌داری و اندیشهٔ سیاسی مدنظر قرار می‌دهد. هرودوت و استرابو نیز به نظر می‌رسد نگاه عمومی‌تر به جامعهٔ ایرانی دارند. با این حال، با همهٔ این تمایزها، تمام ابعاد جامعهٔ ایرانی باستان (نظامی، سیاسی، اجتماعی) که در نوشته‌های نویسندگان و مورخان یادشده آمده است، در حوزهٔ بزرگ‌تر «خصوصیات و ویژگی‌های ایرانی در دورهٔ باستان» جای می‌گیرد؛ زیرا هم نظامیان و هم پادشاهان از بین همان جامعهٔ ایرانی انتخاب شده‌اند و قطعاً رفتارها، عادات و آداب همان جامعه را به همراه دارند. در این میان، تلاش شد از خصوصیات و ویژگی‌هایی که نه به صورت عمومی، بلکه به صورت خاص دربارهٔ یک شخص (خشایارشا، دیوکس، اردشیر و...) بیان شده است، صرف نظر شود؛ زیرا آن خصیصه نمی‌تواند به صورت عمومی به کل جامعهٔ ایرانی و یا بیشترین ایشان تسری یابد. در این پژوهش، تنها دربارهٔ نوشته‌های افلاطون تفاوت گذاشته شده که در جای خود توضیح داده شده است.

این مقاله با هدف شناخت خصوصیات، ویژگی‌ها و عادات برجستهٔ ایرانیان باستان در نگاه مورخان و گردشگران یونانی و رومی هم‌عصر خود، تلاش دارد به این پرسش‌های اصلی و فرعی پاسخ دهد:

محورهای برجستهٔ ایرانیان در آثار مورخان و نویسندگان یونان و روم باستان کدام‌اند؟
کدام خصوصیات و عادات ایرانیان باستان مورد توجه مورخان و گردشگران هم‌عصر ایشان قرار گرفته است؟

پیشینه تحقیق

موضوع «تصویر ایرانیان باستان در آثار خارجیان هم‌عصر خود» را برخی محققان بررسی کرده‌اند. از جملهٔ این تحقیقات مقالهٔ «بازتاب شکل‌گیری دولت ماد در «گفتار مادی» هرودوت» نوشتهٔ افکنده (۱۳۹۵) است. چنان‌که از عنوان مقاله پیداست، نویسنده تنها موضوع «شکل‌گیری دولت ماد» را آن‌هم تنها در «نوشته‌های هرودوت» بررسی کرده است. پاکباز، میرفخرایی و ابوالقاسمی (۱۳۹۷) نیز در مقالهٔ «بررسی بخشی از گزارش هرودوت در خصوص آداب و رسوم ایرانیان با آیین زرتشتی‌گری» به موضوع آداب و رسوم

ایرانیان براساس برداشت هرودوت پرداخته‌اند و آن را با آیین زرتشتی‌گری تطبیق داده‌اند. کتاب تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری در دنیای باستان اثر سنگاری، مقدس و خسروی (۱۴۰۰) نیز به جزئیات تاریخ‌نگاری هرودوت همراه با تحلیلی از زندگی وی پرداخته است. عقیقی (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل ویژگی‌های برجسته نظامی ایرانیان باستان از منظر نویسندگان غیرایرانی»، خصوصیات اخلاقی مرتبط با نظامیان باستان را در آثار نویسندگان یونان و روم باستان بررسی کرده و با شیوه توصیف ویژگی‌ها و تحلیل آنها، تحقیق را انجام داده است. این مقاله رویکرد تحلیل کیفی را مدنظر نداشته و تنها به توصیف ویژگی‌های ایرانیان و تطبیق آن با اندرزنامه‌ها و منابع اصلی دیگر پرداخته است. در مقاله «بررسی اوضاع مذهبی و باورهای اعتقادی پادشاهان عصر میانی ساسانی، براساس نوشته‌های پروکوپئوس مورخ رومی»، نوشته رایگانی (۱۳۹۷) نیز تنها به انعکاس باورهای مذهبی و دینی چند پادشاه ساسانی (پیروز، قباد اول و خسرو اول) در اثر پروکوپئوس پرداخته شده است. برخی از نوشته‌ها نیز بر پایه تنها یک جمله یا یک عبارت از این مورخان، به نقد و تحلیل نشسته‌اند، مانند مقاله «اخلاق و تربیت ایرانیان باستان» از حاکمی (۱۳۸۳) که تنها براساس یک جمله از هرودوت درباره روش تربیت ایرانیان باستان، تحلیل‌ها و تطبیق‌های خود را انجام داده است.

رویکرد مقاله حاضر از چند جنبه با سایر تحقیقات متفاوت است؛ نخست اینکه، این مقاله برخلاف دیگر تحقیقات انجام‌شده، به موضوع خصوصیات عمومی ایرانیان در آثار یونانیان و رومیان باستان پرداخته و نه فقط یک ویژگی یا خصوصیات یک یا چند شخص و طبقه خاص را بررسی کرده است، دوم اینکه، این مقاله تصویر ایرانیان را در آثار یک مورخ یا گردشگر بررسی نکرده، بلکه آثار ۹ نفر از آنان را بررسی کرده است، و سوم اینکه، تحقیق پیش رو بازه زمانی گسترده‌ای از هخامنشی تا ساسانی را بررسی کرده است که سبب استنتاج بهتری از موضوع خواهد شد؛ درحالی‌که در آثار یادشده چنین چیزی دیده نمی‌شود. سرانجام اینکه، در این پژوهش از روش تحقیق کیفی و راهبرد تحلیل مضمون استفاده شده است که سبب دسته‌بندی و استنتاج محورها و خصوصیات برجسته خواهد شد.

روش پژوهش

شیوه به‌کاررفته در این پژوهش، تحقیق کیفی بر پایه تحلیل مضمون است که با

استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. تحقیق کیفی دارای روش‌های گوناگونی است و در کل فونوی برای گردآوری، تحلیل، تفسیر و تنظیم اطلاعات، داده‌های شفاهی-روایتی و یا شنیداری-متنی هستند (محمدپور، ۱۳۹۰). تحقیق کیفی بر مبنای زمینه‌ای که یافته‌ها در آن شکل گرفته‌اند، عمل می‌کند؛ بنابراین، هر یافته‌ای در چارچوب زمینه خاص خود ارزیابی می‌شود. برای استفاده از این روش، پژوهشگر باید از استدلال‌های استقرایی (جزء به کل) و استقهای (تکیه بر دیدگاه‌ها و ساختارهای بومی و دست‌اول) بهره گیرد. زبان تحقیق کیفی، زبان روایت‌ها، مفاهیم، بیان‌ها و مقوله‌هاست، نه زبان آمار و اعداد (محمدپور، ۱۳۹۰، ج ۱: ۹۵-۹۹). یکی از بنیادی‌ترین روش‌های تحلیل و تحقیق کیفی، شیوه تحلیل مضمون است که هدف آن شناسایی الگوهای معانی از خلال مجموعه داده‌هایی است که پاسخ پرسش پژوهش را فراهم می‌کند. این الگوها از طریق فرایند خودمانی و دگداری داده‌ها و همچنین بازبینی و خلق مضامین شناسایی می‌شوند (عابدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰).

در این مقاله نیز تلاش می‌شود از طریق دسته‌بندی و طبقه‌بندی اطلاعات براساس ویژگی‌های مشترکشان، محورهای و خصوصیات برجسته استخراج شود. با توجه به پرسش پژوهش، ابتدا نظریات محوری مورخان و نویسندگان یونان و روم باستان، ذیل نام هر صاحب‌نظر، درباره ایرانیان گردآوری شده و سپس محورهای برجسته آن مشخص خواهد شد. پس از استخراج خصوصیات کلیدی، چگونگی انعکاس تصویر ایرانیان از دیدگاه این افراد و محورهای برجسته و دلخواه ایشان جمع‌بندی و تحلیل می‌شود.

تحلیل و بررسی داده‌ها

۱. هرودوت^۱

هرودوت، نخستین مورخ یونانی، متعلق به قرن پنجم پیش از میلاد است. وی براساس منابع شفاهی و روایی، به تاریخ جنگ‌های ایران و یونان پرداخت و هدف خود را از نگارش کتابش (تواریخ)، شناسایی دلیل جنگ میان یونانیان و بربرها معرفی می‌کند. وی کتابش را تا جنگ ایران و یونان در زمان خشایارشا ادامه داده و ضمن شناسایی سنت‌ها، آداب

و خصوصیات ایرانیان، به‌نوعی قوم‌نگاری انجام داده است (رولینگر^۱، ۲۰۱۲: ۲۵۴-۲۸۸). نوشته‌های او در ابتدا تنها برای مخاطبان انجمن‌گاه‌ها نگاشته شده بود؛ اما به‌مرور، نگاه کنجکاوانه و دقت‌نظرش در ضبط اطلاعات سبب شد که نوشته‌هایش به‌عنوان منبع بسیار خوبی برای شناخت ایران باستان باشد. البته قدرت داستان‌سرایی‌اش، لذت خواندن کتابش را چند برابر کرده است. هرچند عده‌ای وی را «پدر دروغ» نامیده‌اند، به‌هرصورت، کتاب او نخستین منبع مستند و دست‌اول از تاریخ باستان است. هرودوت به تفاوت‌های فرهنگی بسیار علاقه‌مند بود و رشد و پرورش او در شهر مرزی هالیکارناسوس -شهری یونانی در سواحل آسیای صغیر، ترکیه امروزی- چنین علاقه‌ای را تشدید کرد؛ زیرا هرچند شهر یونانی بود، گروه‌های جمعیتی غیر یونانی از جمله پارسیان نیز در آن زندگی می‌کردند. عده‌ای بر این باورند که او واقعاً به بسیاری از سرزمین‌هایی که در کتابش نام برده، سفر نکرده است؛ اما عده‌ای نظری خلاف آن دارند. به‌هرصورت، جزئیاتی که در کتابش بیان کرده، این عقیده را که به اغلب آن مکان‌ها سفر نکرده باشد، زیر سؤال می‌برد (سنگاری و همکاران، ۱۴۰۰: ۳-۱۰). او مقارن با حکومت هخامنشیان می‌زیست. چنان‌که پیش‌تر نیز بیان شد، هرودوت بیش از سایر نویسندگان و مورخان به جزئیات زندگی و منش ایرانیان ورود کرده است و در زمینه **سنت‌های ایرانی** مطالبی نگاشته است. برای مثال، به مراسم جشن تولد ایرانیان اشاره کرده و نوشته است: «یگانه روزی را که ایرانیان بیش از ایام دیگر جشن می‌گیرند، روز تولدشان است و مرسوم است که در آن روز خانه‌ها را با اسباب بیشتر از معمول مفروش و مزین می‌کنند و غذایی بهتر از روزهای دیگر میل می‌کنند» (هرودوت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۱۷). در قسمتی دیگر، به قربانی کردن حیوانات در مراسم توجه کرده و آورده است که ثروتمندان حیواناتی مانند گاو، اسب، شتر و حتی الاغ و افراد فقیرتر حیوانات اهلی کوچک‌تر را قربانی می‌کردند (هرودوت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۱۷). این سنت قربانی کردن می‌تواند مربوط به مراسم‌های مرتبط با به دنیا آمدن فرزند و... باشد. هرودوت عادت و سنت چندهمسری را در میان مردان مرسوم می‌داند. او ایرانیان را بسیار علاقه‌مند به فرزندآوری برشمرده و از شیوه تربیتی آنان سخن گفته است. او می‌نویسد: «ایرانیان به فرزندان خود از پنج سالگی تا بیست سالگی یا به قولی دیگر، بیست و چهار سالگی، راستگویی، اسب‌سواری و تیراندازی را تعلیم می‌دادند

1. Rollinger

(هرودوت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۱۹). هرودوت به حرمت نهادن ایرانیان برای مجاری آب و تلاش برای آلوده نکردن آن، توجه کرده است (هرودوت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۲۱).

هرودوت به **خصوصیات اخلاقی و رفتاری** ایرانیان نیز توجه نشان داده است. برای مثال، به شیوه تصمیم‌گیری جالب ایرانیان در دوره خود اشاره می‌کند که آنان درباره کارهای مهم خود در حالت مستی فکر می‌کردند و روز بعد، در حالت هوشیاری، درعین حال گرسنگی، با حضور صاحب‌خانه‌ای که در خانه او فکر کرده و تصمیم گرفته بودند، در آن تصمیم تجدیدنظر می‌کردند. اگر در حالت گرسنگی، آن تصمیم تأیید می‌شد، اجرا می‌شد. گاهی عکس مسئله نیز عمل می‌شد؛ یعنی درباره تصمیمی که در حالت گرسنگی می‌گرفتند، در مستی دوباره تجدیدنظر می‌کردند (هرودوت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۱۷-۲۱۸). او انعطاف‌پذیری ایرانیان را نیز مدنظر قرار داده و نوشته است: «هیچ ملتی نیست که به‌اندازه ایرانیان زود و آسان عادت‌های خارجی را اختیار کند». او در ادامه بیان می‌کند: «ایرانیان (پارسیان) لباس مادی‌ها را بهتر از خودشان دانسته‌اند و همچنین در جنگ از زرّه مصری استفاده می‌کنند. همین که از وجود چیز باارزشی مطلع می‌شدند، سریع آن را فرا می‌گرفتند یا به دست می‌آوردند» (هرودوت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۱۹). هرودوت ایرانیان را بدبین نسبت به خودشان می‌داند و می‌نویسد: «ایرانی‌ها آسیا^۱ را با وجود تمام اقوام متعدد وحشی که در آنجا اقامت دارند، از خودشان می‌دانند؛ اما به اروپا و نژاد یونانی با نظر متفاوت و بیگانه نگاه می‌کنند» (هرودوت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۴۳). البته شاید دلیل این موضوع را چنین می‌داند: «ایرانیان خود را از هر جهت خیلی برتر از دیگران می‌دانند و دیگران را به نسبتی که به ایشان نزدیک‌ترند، محترم‌تر می‌شمارند» (هرودوت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۱۸-۲۲۰). او از فضائل اخلاقی برجسته ایرانیان به راستگویی (هرودوت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۱۹-۲۲۰ و ۲۳۴؛ هرودوت، ۱۳۸۴، ج ۴: ۲۳۴) و احترام به پدر و مادر اشاره می‌کند (هرودوت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۲۰) و «بدهکاری» و «صحت از عمل بد» (هرودوت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۲۰) را نزد ایرانیان بسیار نکوهیده می‌داند. او بر این باور بود، ایرانیان برای یک خطا، کسی را مجازات نمی‌کردند؛ بلکه آنان نخست خوب می‌اندیشیدند و چنانچه کارهای بد فرد مقصر از خدماتش بیشتر بود، او را مجازات می‌کردند (همان). هرودوت از «خیرخواهی ایرانیان برای

۱. البته اصطلاح آسیا و اروپا، اصطلاح مترجم محترم است.

همه» نیز سخن می‌گوید: «در بین ایرانیان مرسوم بود که هنگام قربانی کردن به درگاه خداوند تنها برای خود دعای خیر نکنند؛ بلکه برای سعادت و خوشبختی پادشاه و تمام مردم دعای خیر کنند» (هرودوت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۱۶). او همچنین ایرانیان را بی‌تمایل به فضای بازار و دادوستد معرفی کرده است (هرودوت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۳۴).

هرودوت ایرانیان را بسیار مبادی **آداب رفتاری** دانسته و توضیح داده است که آداب سلام و احوال‌پرسی نیز بنا به درجهٔ افراد متفاوت بوده است. اگر مقام آنان برابر بود، به‌جای صحبت با هم، لبان یکدیگر را می‌بوسیدند و اگر یکی از آنها از لحاظ درجه پایین‌تر از دیگری بود، صورت یکدیگر را می‌بوسیدند و در صورتی که تفاوت درجه و مقام زیاد بود، شخص پایین‌تر به خاک می‌افتاد (هرودوت، ۱۳۳۶، ج ۱: ۲۱۸).

هیچ‌کس مانند هرودوت تا این حد در جامعهٔ ایرانی غور و تعمق نکرده است. او در جزئیات سنت‌ها، آداب و خصوصیات ایرانیان وارد شده است. به نظر می‌رسد، او مأموریت سیاسی و نظامی خاصی نداشته تا انگیزهٔ انجام این کار باشد و با هدف بررسی دلیل نزاع ایرانیان و یونانیان، وارد جزئیات فرهنگ ایرانی شده است. قطعاً از آنجا که ابتدا قصد سرگرم کردن مخاطبان خود را داشته و همچنین خود نیز علاقه‌مند و کنجکاو به دانستن و جمع‌آوری اطلاعات بوده؛ بیش از سایرین به عمق جامعه ایرانی نفوذ کرده و تلاش کرده است خصوصیات و ویژگی‌های جذاب و منحصر به فرد آنان را استخراج کند. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که هرودوت در زمان امپراتوری قدرتمند ایرانیان، به بررسی جامعه ایرانی پرداخته است.

۱-۱. محورهای هدف

- سنت‌های ایرانی
- اخلاق و رفتار ایرانیان
- آداب ایرانی

۱-۲. خصوصیات برجسته

- برگزاری جشن تولد
- علاقه به چندهمسری
- علاقه به فرزندآوری
- شیوه‌های خاص تربیتی و اهمیت به رزم‌آموزی
- حرمت نهادن برای آب‌های جاری

- شیوه خاص تصمیم‌گیری
- انعطاف‌پذیری
- احتیاط
- خودب‌تریبی
- راست‌گویی
- احترام به پدر و مادر
- نکوهش بدهکاری
- نکوهش بدکاری
- خیرخواهی
- توجه به خدمات در برابر خطا
- بی‌علاقه‌گی به بازار
- آداب‌دانی

۲. آیسخولوس^۱

آیسخولوس یا اشیل، نخستین تراژدی‌نویس یونان باستان است که در سده پنجم پیش از میلاد می‌زیسته است. او در جنگ ایران و یونان که در زمان خشایارشا رخ داد و به پیروزی یونانیان منجر شد، حضور داشت و نمایشنامه ایرانیان (نوشته‌شده در سال ۴۷۲ پیش از میلاد) را براساس آن نوشت (تاپلین و پودکی^۲، ۲۰۲۴). او در نمایشنامه خود اشاره می‌کند که ایرانیان برای مرگ شاه خود بسیار اندوهگین می‌شوند و هنگام اندوه، جامه می‌درند (نمایشنامه ایرانیان، ۱۳۸۹: ۴۳، ۵۵-۵۶، ۶۴). جالب اینجاست که در نمایشنامه وی، ایرانیان خود را بربر می‌نامند (آیسخولوس، ۱۳۵۶: ۲۱). وی همچنین به مهارت ایرانیان در سوارکاری اشاره می‌کند (نمایشنامه ایرانیان، ۱۳۸۹: ۵۶-۵۷). او هم‌زمان با حکومت هخامنشیان زندگی می‌کرده است.

آیسخولوس باتوجه‌به همراهی‌اش در زمان لشکرکشی و جنگ با ایران، نگاهی کاملاً متفاوت از هرودوت یا استرابو دارد. او در موقعیتی قرار دارد که ایرانیان در جنگ شکست

خورده‌اند؛ ایرانیانی که زمانی بس طولانی، اسطوره قدرت و پیروزی بوده‌اند. وی در بیان نظراتش، هرچند محدود، نگاهی برتری‌جویانه دارد و البته به ویژگی نظامی ایرانیان نیز توجه نشان داده است.

۱-۲. محورهای هدف

- سنت‌های ایرانی
- ۲-۲. خصوصیات برجسته
- اندوه بسیار در هنگام سوگ به‌ویژه برای شاهان
- علاقه به مهارت‌های رزمی

۳. گزنفون^۱

گزنفون، فیلسوف و مورخ یونانی، متعلق به سده‌های چهارم و پنجم پیش از میلاد و هم‌زمان با حکومت هخامنشیان است. به‌جز پیوندهای سقراطی و خدمت احتمالی در سواره نظام آتن، اطلاع چندانی از او در دست نیست تا اینکه در سال ۴۰۱ پیش از میلاد به مزدوران کوروش کوچک پیوست و در شورش ناموفق کوروش کوچک علیه برادر بزرگ‌ترش، اردشیر دوم شرکت کرد (توپلین^۲، ۲۰۱۳).

گزنفون بر اهمیت آموزش در نزد ایرانیان تأکید کرده است و می‌نویسد: «در نزد ایرانیان هر فرد پارسی که احتیاجی به کار کردن نداشت، می‌توانست آموزش ببیند» (گزنفون، ۱۳۸۴: ۱۷). وی از میان انواع تعلیم، به آموزش مفاهیم اطاعت، احترام، امساک و اعتدال در خوراک، تیراندازی و زوین‌اندازی، حق‌شناسی، نگهبانی، طاقت و بردباری، راه و رسم شکار، سحرخیزی، مقاومت در برابر سرما و گرما، مقابله با حیوانات بزرگ و... اشاره کرده است (گزنفون، ۱۳۸۴: ۱۴). او بر مفهوم اطاعت در این آموزش‌ها تأکید می‌کند و عقیده دارد، کودکان از رؤسای خود درس اطاعت می‌آموزند و همین که رؤسا نیز با فهم و آگاهی، نسبت به بالاتر از خود، حالت اطاعت دارند بزرگ‌ترین درس است (گزنفون، ۱۳۸۴: ۱۴).

او ایرانیان را افرادی محتاط و عاقبت‌اندیش می‌داند که تلاش می‌کنند زودتر

1. Xenophon
2. Tuplin

عاقبت‌اندیشی کنند تا از رفتار بد و ناپسند دیگران پیشگیری کنند (گزنفون، ۱۳۸۴: ۱۲). گزنفون می‌نویسد که در نزد ایرانیان، بی‌شرمی و حق‌ناشناسی، مایه اصلی انواع تباهی و پستی است؛ زیرا آدم بی‌شرم به احتمال قوی به تکالیف خود در درگاه خدا و نسبت به والدین و دوستانش اعتنا ندارد (گزنفون، ۱۳۸۴: ۱۴). او نیز از بی‌اهمیتی نسبت به جایگاه بازار و دادوستد در جامعه ایرانی سخن می‌گوید و بیان می‌کند که فروشندگان جای خاصی دارند و حضور آنان در محل کاخ و عمارات دولتی ممنوع است؛ زیرا سروصدای آنان نظم و برازندگی آن طبقات را بر هم می‌زند (گزنفون، ۱۳۸۴: ۱۲). وی ضمن تأکید بر آداب‌دانی ایرانیان، می‌نویسد: «ایرانیان تف انداختن در ملأعام و یا پاک کردن بینی را بی‌شرمانه می‌دانند» (گزنفون، ۱۳۸۴: ۱۸).

گزنفون در زمان امپراتوری قدرتمند هخامنشی با ایرانیان برخورد داشته است، اما به نظر می‌رسد در دستگاه، قدرت نفوذ داشته و به مأموریتی ویژه مشغول بوده است. باوجوداین، نگاهی تحسین‌آمیز و مثبت به ایرانیان دارد و دست‌کم در ظاهر، نشانی از غرض‌ورزی دیده نمی‌شود.

۳-۱. محورهای هدف

- سنت‌های ایرانی
- اخلاق و رفتار ایرانی
- آداب ایرانی

۳-۲. خصوصیات برجسته

- اهمیت آموزش و سنت‌های آموزشی
- اهمیت اطاعت
- عاقبت‌اندیشی و احتیاط
- شرم
- حق‌شناسی
- بی‌علاقه‌گی به بازار
- آداب‌دانی

۴. افلاطون^۱

افلاطون، فیلسوف شهیر یونانی، متعلق به نیمه سده چهارم پیش از میلاد (ماینولد^۲، ۲۰۲۴) و هم‌زمان با حکومت هخامنشیان بود. او درباره جزئیات سنن و عادات عمومی ایرانیان سخن نگفته است؛ اما باتوجه به حوزه تخصصی خود، به سنن حکومت‌داری پادشاهان بزرگ هخامنشی، از جمله کوروش اول و داریوش اول توجه کرده است. درست است که بیانات و توصیفات افلاطون درباره اشخاص خاص ایرانی (کوروش و داریوش) است و بنابر مسئله تحقیق که بیان خصوصیات و ویژگی‌های برجسته ایرانیان به صورت عمومی در نگاه مورخان یونانی و رومی باستان است؛ نباید در این مقاله آورده شود؛ اما به این دلیل که سنن سیاسی و حکومت‌داری این پادشاهان به ویژه، نه فقط یک خصیصه و روش فردی است، بلکه این شیوه حکومت‌داری و منش سیاسی و نظامی، خود منشأ بسیاری از آداب و عادات عمومی در حوزه سیاسی، نظامی و حتی اجتماعی شده و قطعاً در دیدگاه مورخان خارجی نسبت به ایرانیان، به ویژه در بحث قدرتمندی سیاسی و نظامی مؤثر بوده است، از این رو، ضرورت اشاره به آن در این مقاله احساس شد.

در آثار منسوب به افلاطون، در گفت‌وگو میان شخصی به نام کلینياس و فردی آتنی، شیوه پادشاهی کوروش، شیوه‌ای بین استبداد و آزادی بیان شده که از این طریق توانست اقوام مختلفی را تحت فرمان خود درآورد. او اصل برابری را رعایت می‌کرد. در دوره او، رابطه سربازان و فرماندهان بسیار خوب بود و آزادی در بیان نظرات وجود داشت و حتی اگر کسی می‌خواست به شاه پندی عاقلانه دهد، می‌توانست بدون ترس این کار را انجام دهد و همه این موارد سبب رشد شد. اما فرزند وی، چون در ناز و نعمت بزرگ شده بود، نتوانست این شیوه را ادامه دهد. از سوی دیگر، در زمان داریوش که

1. Plato
2. Meinwald

۳. افلاطون در قسمتی از آثار خود، شیوه تربیت شاهزادگان ایرانی را چنین توصیف کرده است: «پس از اینکه فرزندی در خانواده شاهی زاده شد او را به دست دایگان ناشایست نمی‌سپارند؛ بلکه بهترین خواجهان و پرورشگران را به تربیت او می‌گمارند تا در پرورش اندام‌های او مواظبت شایسته به جای آورده و پیکر او به بهترین شکل پرورده شود. این پرورشگران به سبب مهارتی که در کار خود یافته‌اند، دارای مقامی بزرگ‌اند. فرزند خاندان شاهی چون به هفت سالگی رسید او را بر اسب می‌نشانند و به نزد استادان سوارکاری می‌برند و شکارگری می‌آموزند. در چهارده سالگی او را به کسانی که آموزگاران شاهی خوانده می‌شوند، می‌سپارند. اینان چهار مرد برگزیده‌اند که در میان مردم پارس به برتری بر دیگران معروف‌اند. یکی فرزانه‌ترین، دیگری دادورزترین، سیمی پرهیزگارترین و چهارمی دلیرترین است. نخستین آموزگار، آیین زردشت اهورامزداپی را که پرستش ایزدان است به وی می‌آموزد و کارهای بایسته شاهی را به او تعلیم می‌دهد. آموزگار دوم که دادورزترین کس است به او می‌آموزد که همواره راست بگوید. آموزگار سیم که پرهیزگارترین مردم است، نمی‌گذارد که وی مغلوب و دستخوش شهوات خود گردد و بدو می‌آموزد

خود در ناز و نعمت پرورش نیافته بود، دوباره شرایط رشد مهیا شد؛ اما پس از وی، باز هم شرایط به سمت بدی پیش رفت (افلاطون، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۹۸۹-۱۹۹۱). افلاطون، داریوش هخامنشی را نمونه کامل یک پادشاه و قانون‌گذار برشمرده است که سازمان سیاسی‌ای بر پایه قانون را ایجاد کرده و سبب دوام حکومت شده است (افلاطون، ۱۳۸۰، ج ۳: ۱۸۵۲). موفقیت‌های داریوش مرهوش تدبیر و خردمندی وی بوده است. فرد آتنی در گفت‌وگوی کلینياس، تدابیر وی را در حوزه سیاست چنین برشمرده است: «همین که بر تخت پادشاهی نشست، کشور را به هفت بخش تقسیم کرد و هریک از هم‌پیمانانش را به حکومت بخشی برگماشت؛ چنان‌که آثار کوچکی از آن تقسیم هنوز باقی است. سپس قوانینی وضع کرد و به هم‌وطنانش اطمینان داد که کشور را بر طبق آن قوانین اداره خواهد کرد. میان مردم تا حدی مساوات برقرار ساخت و مستمری نقدی را که کوروش به سپاهیان وعده داده بود، به‌صورت قانون درآورد و با خرج پول و دادن هدیه علاقه و محبت پارسیان را به خود جلب کرد. بدین جهت سپاهیان با اشتیاق به‌دنبال او به میدان جنگ رفتند» (افلاطون، ۱۳۸۰، ج ۴: ۱۹۹۱).

۴-۱. محورهای هدف

- سنت‌های ایرانی
- خصوصیات و عادات ایرانی
- اندیشه سیاسی

۴-۲. خصوصیات برجسته

- تساهل
- استبداد میانه‌رو
- حق بیان
- خردورزی سیاسی و نظامی
- قدرت سازمان‌دهی
- برابری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۵. سیسیلی^۱

دیودور سیسیلی، مورخ رومی، متعلق به قرن اول پیش از میلاد و هم‌زمان با دوره اشکانیان است. سیسیلی تنها اثر خود به نام تاریخ جهان را در ۴۰ جلد نگاشت که تنها ۱۰ جلد آن باقی مانده است (بادیان^۲، ۲۰۱۱: ۴۲۱-۴۲۲). سیسیلی بر اهمیت بر پوشیده داشتن زنان در نزد ایرانیان تأکید و بیان می‌کند: «ایرانیان اگر می‌خواستند زنان خود را نزد شاه ببرند، وی را بر گردونه‌ای سرپوشیده حمل می‌کردند و هیچ رهگذری جرئت نداشت حتی نگاهی بر وی اندازد (سیسیلی، ۱۳۸۴: ۲۵۹). وی در بیان جنگ داریوش و اسکندر، زمانی که زنان خاندان شاهی هخامنشی به اسارت درآمده بودند و به آنها بی‌احترامی می‌شد، به اهمیتی که حفظ حریم زنان در نزد ایرانیان داشت، اشاره کرده و می‌نویسد: «و این چنین به یاری سرنوشت، آنچه را که نزد بربرها آن قدر محترم و باعث نام بود، هتک می‌کردند» (سیسیلی، ۱۳۸۴: ۶۷۰). او نیز از شجاعت ایرانیان سخن می‌گوید و به وجود جایزه شجاعت نزد ایشان اشاره کرده است (سیسیلی، ۱۳۸۴: ۶۲۶).

سیسیلی هرچند به قصد تکمیل کتاب خود و با انگیزه دانش‌اندوزی به بررسی ایرانیان پرداخته است، با این حال، به نظر می‌رسد نگاهی غرض‌ورزانه نیز داشته است.

۵-۱. محورهای هدف

- سنت‌های ایرانی
- اخلاق و رفتار ایرانی

۵-۲. خصوصیات برجسته

- اهمیت ایرانیان به پوشیده نگاه داشتن زنان
- شجاعت

۶. پلوتارک^۳

پلوتارک یا پلوتارخس، مورخ یونانی، متعلق به قرن اول میلادی و هم‌زمان با حکومت اشکانیان بوده است. او به اهمیت پوشیدگی زنان در نزد ایرانیان اشاره کرده و می‌نویسد: «ایرانیان نه تنها برای همسران خود، بلکه برای کنیزان یا برگزیدگان نیز چنین چیزی را

1. SICULUS
2. Badian
3. Plotarch

رعایت می‌کردند» (پلوتارک، ۱۳۸۰: ۶۱، ۲۲۱-۲۲۲). وی عقیده دارد ایرانیان تن‌آسا هستند (پلوتارک، ۱۳۸۰: ۳۰۲) و آنان را متمدن نمی‌داند. او در کتابش، یکی از دلایل اینکه چرا زمانی که اسکندر پادشاه ایران شد، لباس ایرانی‌ها را پوشید، این‌گونه ذکر می‌کند که او می‌خواست «ایرانیان را به‌آسانی متمدن گرداند» (پلوتارک، ۱۳۸۰: ۳۰۵).

پلوتارک اشاره می‌کند که مردم باید در برابر پادشاه به خاک می‌افتادند: «گرامی‌ترین و والاترین قانون آن است که پادشاه را بزرگ‌ترین نگاه‌دارنده جهان شمرده او را بپرستیم و بر او نماز ببریم» (پلوتارک، ۱۳۸۰: ۶۲). او بر این باور بود، پادشاه و دربار ایرانی تنها از منظر مال، زن و آراستگی و شکوه برتری دارند و گرنه دارای نیرو و توانمندی نیستند (پلوتارک، ۱۳۸۰: ۲۱۲).

پلوتارک که در ظاهر بدون مأموریت خاص و تنها با هدف جمع‌آوری اطلاعات و دانش‌اندوزی، ایرانیان را مدنظر قرار داده؛ بنابر کتاب خود که درباره مردان نام‌آور تاریخی تا آن زمان است؛ به طبقه شاهی و دربار توجه کرده است؛ اما همان‌طور که آشکار است، نگاهی غرض‌ورزانه نسبت به ایرانیان دارد.

۶-۱. محورهای هدف

- سنت‌های ایرانی
- رفتار و عادات ایرانی

۶-۲. خصوصیات برجسته

- اهمیت ایرانیان به پوشیده نگاه‌داشتن زنان
- تن‌آسایی
- نامتمدن بودن
- ستایش شاهان
- برتری شاهان ایرانی تنها در حوزه‌های ثروت، زن و تجمل

۷. استرابو^۱

استرابو، مورخ و جغرافی‌دان یونانی، متعلق به قرن اول میلادی است. کتاب جغرافیای او تا به امروز باقی مانده و در آن، درباره همه اقوام و کشورهای که یونانیان می‌شناختند،

1. Strabo(n)

سخن گفته است (لازر،^۱ ۲۰۲۴). وی هم‌زمان با حکومت اشکانیان می‌زیسته است. استرابو در این کتاب به **سنت‌های ایرانی** توجه نشان داده است. او به حرمت نهادن ایرانیان به آب و آتش اشاره کرده و می‌نویسد: «اگر ایرانیان می‌خواستند برای آب قربانی کنند، نزدیک دریاچه یا رودخانه و یا چشمه‌ای می‌روند و نزدیک آن گودالی حفر می‌کنند و آن‌گاه قربانی را سر می‌برند و سخت مراقب‌اند تا آب با خون آلوده نشود». همچنین او می‌نویسد: «ایرانیان آتش را با دهان خود پف نمی‌کردند، بلکه باد می‌زدند. اگر کسی بر آتش پف می‌کرد یا چیزی مرده و کثیف را روی آن می‌گذاشت، به قتل می‌رسید. احترام ایرانیان به آتش آن‌قدر بود که برای هر ایزدی که نذر قربانی می‌کردند، نخست آتش را ستایش می‌کردند (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۵-۳۲۴). او نیز از علاقهٔ مادها به تعدد همسر یاد می‌کند و می‌نویسد: «در میان مادها نیز مردم عادی حق داشتند تا ۵ همسر اختیار کنند» (استرابو، ۱۳۸۲: ۵۳). وی هم مانند هرودوت از علاقهٔ ایرانیان به فرزندآوری یاد می‌کند و می‌نویسد: «ایرانیان داشتن فرزندان زیاد را مایهٔ اهمیت، اعتبار و قدرت می‌دانستند. در هر سال، پادشاه برای آن مردی که بیش از سایرین فرزند داشت، هدایای گران‌بها می‌فرستاد. ایرانیان عقیده داشتند کثرت نفوس، مایهٔ قدرت است. ایشان به‌قدری برای فرزندان خود به‌ویژه در سن جوانی، حرمت و عزت قائل بودند که آنان را با طلا مزین می‌کردند» (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۶). او، بدون بیان جزئیات زیادی، بودن فرزند با مادر را تا ۴ سالگی ذکر می‌کند (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۵) و مانند هرودوت به شیوهٔ آموزش کودکان در ایران توجه نشان داده و آن را چنین توصیف کرده است: «استادان در ایران دانش‌آموزان خود را با کوفتن بر ظرف برنجین از خواب بیدار و در یک مکان جمع می‌کردند تا مسلح شده و به شکار بروند. کارهایی همچون دویدن، با صدای بلند صحبت کردن، درست تنفس کردن، تحمل سرما و گرما، چگونگی عبور از نهرهای سیل‌آسا، گله‌داری، شب را در هوای آزاد به سر بردن، با میوه‌های وحشی خود را سیر کردن، درختکاری، ریشه‌کنی (برای مقاصد دارویی)، ساختن اسلحه، هنر بافتن پارچه‌های کتان و بافتن تور برای شکار را تمرین می‌کردند» (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۵-۳۲۶). وی حتی اشاره می‌کند که ایرانیان از افسانه‌های خود استفادهٔ آموزشی می‌کنند و «حتی رفتار و کردار ایزدان و نجیب‌ترین افراد را به‌شکل سرود یا بدون آن تمرین می‌کردند» (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۵). او در کل از

1. Lasserre

علاقه ایرانیان، حتی زنان، به برنامه‌های رزمی یاد می‌کند و می‌نویسد: «زنان مادی به سوارکاری و تیراندازی می‌پرداخته‌اند و بعدها زنان پارسی تحت‌تأثیر این عادت قرار گرفتند» (استرابو، ۱۳۸۲: ۵۲). وی به وجود رقابت‌های پنج‌گانه شامل پرش، پرتاب دیسک، دو، کشتی، و پرتاب زوبین در آن زمان اشاره می‌کند که مردم عادی در آن شرکت می‌کردند (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۵-۳۲۶).

استرابو به‌طور کلی ایرانیان را معتدل توصیف می‌کند (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۸). او یکی از **خصوصیات اخلاقی و رفتاری** ایرانیان را این‌گونه بیان می‌کند: «ایرانیان تصمیماتی را که در هنگام مستی می‌گیرند، معقول‌تر و استوارتر از تصمیماتی می‌دانند که در حال طبیعی می‌گیرند» (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۷). وی از شجاعت ایرانیان هم سخن رانده و اشاره کرده است که کوه‌نشینان ماد، شاه را از میان دلیرترین مردان خود انتخاب می‌کردند (استرابو، ۱۳۸۲: ۵۳) و مردم کرمانیا (کرمان) را جنگجو و شجاع معرفی می‌کند (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۱۵). او همچنین از بی‌میلی ایرانیان به بازار و دادوستد می‌نویسد: «پارس‌ها از بازار گذر نمی‌کنند؛ زیرا اهل دادوستد نیستند» (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۶).

استرابو نیز به **آداب‌دانی** ایرانیان توجه کرده و بیان می‌کند: ایرانیان «در صورت هم‌طبقگی، یکدیگر را در آغوش گرفته می‌بوسند، اگر یکی از طبقه پایین‌تر باشد، طبقه بالاتر صورت خود را جلو آورده تا طبقه پایین‌تر آن را ببوسد و اگر اختلاف طبقات زیاد باشد، سر فرود می‌آورند و احترام می‌گذارند» (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۷). او ضمن اشاره به سنت به خاک افتادن پارس‌ها در مقابل پادشاه، توضیح می‌دهد که این عادت را از ماده‌ها اقتباس کرده‌اند (استرابو، ۱۳۸۲: ۵۲-۵۳).

وی شاهان ایرانی را اهل تجمل معرفی می‌کند و علت آن را ثروت زیاد دانسته است. او در ادامه، برای مثال از ثروت فراوان شاهان ایران می‌نویسد: «ایشان گندم خود را از اسوس واقع در ایولیس، شراب را از خالی مونیۀ سوریه و آب آشامیدنی را از اولای (کارون) می‌آورند، چون سبک‌ترین آب است» (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۸). از سوی دیگر، ایرانیان را فاقد ظرفیت‌سنجی و هوشمندی توسعه می‌داند و از این باب آنان را بربر می‌شمارد و می‌نویسد: «ایرانیان به بخشی از سرزمین‌های اطراف دریای خزر رسیدگی نکرده‌اند و از ظرفیت‌های این قسمت‌ها آن‌طور که باید و شاید استفاده نشده است». از سوی دیگر، وی دلیل بی‌توجهی مقدونیان به این قسمت‌ها را چنین توجیه می‌کند: «چنان سرگرم

جنگ‌های داخلی بودند که فرصت نداشتند به مستملکات دوردست خود برسند» (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۸-۳۲۹).

استرابو نیز به نظر می‌رسد مانند هرودوت، با مأموریت ویژه، ایرانیان را ننگریسته و براساس کنجکاوی دانشورانه خود به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته است. او نیز نسبتاً درباره ایرانیان با جزئیات بیشتری به‌ویژه در حوزه سنت‌ها، اخلاق و آداب، سخن گفته است. برخی از مواردی که او اشاره کرده با گفته‌های هرودوت بسیار مشابه است و بعید نیست که باتوجه‌به فاصله زمانی که با هرودوت دارد، سخنان او را درباره ایرانیان شنیده یا خوانده باشد و همه جزئیاتی را که بیان کرده، خود از نزدیک ندیده باشد.

۷-۱. محورهای هدف

- سنت‌های ایرانی
- اخلاق و رفتار ایرانی
- آداب ایرانی

۷-۲. خصوصیات برجسته

- حرمت نهادن به آب و آتش
- تعدد همسر
- علاقه به فرزندآوری
- شیوه خاص تربیتی
- علاقه به مهارت‌های رزمی
- استفاده از افسانه‌ها برای آموزش
- اعتدال
- شجاعت
- شیوه خاص تصمیم‌گیری
- بی‌علاقه‌گی به دادوستد
- آداب‌دانی
- به خاک افتادن مقابل پادشاه
- تجمل‌گرایی
- عدم هوشمندی و ظرفیت‌سنجی در توسعه

۸. مارس‌لینوس^۱

آمیانیوس مارس‌لینوس، مورخ رومی با تبار یونانی، در قرن چهارم میلادی می‌زیست. او هم‌زمان با حکومت ساسانیان بود و هرچند پیش‌داوری‌های بسیاری دربارهٔ ایرانیان داشت؛ با این حال کتاب او حاوی اطلاعات فراوانی دربارهٔ ایران دوره ساسانی است (چامونت^۲، ۲۰۱۲: ۹۷۷-۹۷۹). مارس‌لینوس تنها کسی است که جزئیات چهرهٔ عموم ایرانیان را به تصویر کشیده است. او که با طبقات بالای جامعه در ارتباط بوده است، ظاهر ایرانیان را با قدی بلند، رنگی گندم‌گون یا سبزهٔ روشن و نگاهی تند مانند بز، ابروانی کمانی و به‌هم‌پیوسته، ریشی جذاب و مویی بلند توصیف می‌کند. او در ادامه توضیح می‌دهد که ایرانیان حتی در جشن‌ها و جشنواره‌های خود، شمشیر دارند که البته بعدها این عادت را یونانیان اولین بار کنار گذاشتند (مارس‌لینوس^۳، ۱۸۶۲: ۳۴۳). او ایرانیان را علاقه‌مند به عاشقه و همچنین ازدواج‌های متعدد معرفی می‌کند و از سوی دیگر، معتدل و میانه‌رو در مهمانی‌ها و لذت‌ها توصیف می‌کند. وی توضیح می‌دهد که ایرانیان هر زمان گرسنه شوند، غذا می‌خورند و ساعت خاصی ندارند و هر زمان که سیر شوند، دیگر غذا نمی‌خورند (مارس‌لینوس، ۱۸۶۲: ۳۴۳).

او قوانین ایرانیان را بسیار سخت‌گیرانه توصیف می‌کند و بدترین مجازات‌ها را در برابر ناسپاسی و همچنین فراریان برشمرده است. وی همچنین برخی از قوانین را منفور دانسته است؛ برای مثال، اگر کسی جنایتی مرتکب می‌شد، همهٔ اطرافیان وی نیز محکوم می‌شدند (مارس‌لینوس، ۱۸۶۲: ۳۴۴).

مارس‌لینوس، ایرانیان را بیش از اندازه محتاط می‌خواند و بیان می‌کند آنان در سرزمین دشمنان خود، وقتی از تاکستان‌ها یا باغ‌ها می‌گذرند، از ترس زهر یا جادو، به هیچ شیء یا میوه‌ای دست نمی‌زنند (مارس‌لینوس، ۱۸۶۲: ۳۴۳-۳۴۴). او همچنین ایرانیان را در انجام کارها، بسیار رازدار و فروتن معرفی می‌کند (همان) و راه رفتن ایرانیان را شل و زنانه معرفی می‌کند (مارس‌لینوس، ۱۸۶۲: ۳۴۴). در عین حال، آنان را بسیار جنگجو، حيله‌گر و مهيب از دور به تصویر می‌کشد (مارس‌لینوس، ۱۸۶۲: ۳۴۴).

وی شجاعت ایرانیان را تحسین می‌کند و همچنین نظم و انضباط و مهارت‌های نظامی آنان را که به زعم وی، از یونانیان آموخته‌اند، به‌قدری بزرگ می‌داند که بزرگ‌ترین ارتش‌ها در مقابلش کوچک‌اند و توانسته‌اند ملت‌های زیادی را زیر یوغ خود درآوردند. البته پاشنه آشیل این قدرت ایران را تعدد جنگ‌های داخلی و خارجی می‌داند و گرنه این ارتش را شکست‌ناپذیر می‌داند (مارسلینوس، ۱۸۶۲: ۳۴۴-۳۴۵). او همچنین ایرانیان را مغرور و در سخن گفتن بی‌خرد و تند توصیف می‌کند (مارسلینوس، ۱۸۶۲: ۳۴۴). وی ایرانیان را مستبد و ظالم می‌داند که بر خدمتکاران خود نیز احساس مالکیت کامل دارند (همان). آمیانوس مارسلینوس بر حیا و عفت مردان ایرانی تأکید و آن را ستایش کرده است که هیچ قسمتی از بدن آنان برهنه نیست و البته علاقه‌مند به زیورآلات هستند (مارسلینوس، ۱۸۶۲: ۳۴۵).

مارسلینوس مورخی بسیار تیزبین است. او خصوصیات ایرانیان را در موقعیت نظامی و جنگ بررسی کرده است، اما دقت وی در بیان جزئیات، چه ظاهری و چه اخلاقی و آدابی، تیزهوشی و کنجکاو وی را نمایان می‌سازد. او در برخی موارد پیش‌داوری‌هایی درباره ایرانیان داشته، اما نظر به اینکه در موقعیت نظامی با ایرانیان برخورد کرده است، طبیعتاً می‌بایست آنان را تحقیر می‌کرد، برعکس زبان به تحسین و ستایش آنان در عرصه جنگ و خلقیات نظامی گشوده است. بنابراین، تاحدی می‌توان او را از غرض‌ورزی‌های شخصی به‌دور دانست.

۸-۱. محورهای هدف

- ظاهر ایرانیان
- سنت‌های ایرانی
- اخلاق و رفتار ایرانی

۸-۲. خصوصیات برجسته

- چهره و اندام ایرانیان
- احتیاط
- علاقه‌مند به معاشقه و تعدد ازدواج
- معتدل و میانه‌رو
- قوانین سخت

- رازدار و فروتن
- جنگجو
- حيله گر
- منظم و منضبط در امور نظامی
- مغرور
- بی خرد
- مستبد و ظالم
- با حیا و عفیف

۹. پروکوپيوس^۱

پروکوپيوس، مورخ و حقوق دان رومی، متعلق به قرن ششم میلادی و هم زمان با حکومت ساسانیان می زیسته است. او مشاور ژنرال بلیزاریوس رومی بود و از شاهدان عینی لشکرکشی رومی ها علیه ساسانیان و گوت ها بود (بورم^۲، ۲۰۱۳). پروکوپيوس به تفاوت سنت های ایرانی و رومی اشاره می کند که ایرانیان پیش از ظهر غذا می خورند، در حالی که رومی ها پس از ظهر غذا می خورند (پروکوپيوس، ۱۳۴۷: ۷۰). او همچنین از سنت شمارش تلفات جنگی در بین ایرانیان، چه در زمان شکست و چه در حال پیروزی یاد می کند: «در میان ایرانی ها مرسوم است که وقتی بر ضد دشمن خود لشکر می کشند، پادشاه بر اورنگ شاهی می نشیند و چند سبد در پیش او می گذارند و سپهسالاری هم که سپاهیان را به جنگ می برد در کنار اورنگ می ایستد. سپاهیان از برابر شاه می گذرند و هریک زویننی به میان سبدها می افکند و سپس سرسبدها را بسته، به مهر شاه مهور می سازند و آنها را در جایی محفوظ نگاه می دارند. سپاهیان پس از بازگشت دوباره، زوین را از سبد برمی دارند و سپس افسرانی که مأمور این کارند، باقی زوین ها را که در سبدها مانده است، می شمردند و تعداد آنها را به عرض شاه می رسانند و بدین ترتیب عدد تلفات جنگ معین می شود» (پروکوپيوس، ۱۳۴۷: ۹۳).

1. Procopius
2. Borm

پروکوپيوس ایرانیان را بسیار شجاع و وطن‌دوست توصیف می‌کند و به نقل از سپهسالار ایرانی در جنگ، می‌نویسد: «من می‌دانم که اگر ایرانی‌ها در حین روبرو شدن با خطر، جرئت و شهامت بی‌نظیر از خود بروز می‌دهند نه به‌واسطه تشویق و ترغیبی است که از سرداران خود می‌بینند؛ بلکه به‌سبب غیرت و شهامت ذاتی خود آنها و ملاحظه و شرمی است که از یکدیگر دارند» (پروکوپيوس، ۱۳۴۷: ۷۶). وی همچنین ایرانیان را مغرور و خودستا نیز معرفی می‌کند (پروکوپيوس، ۱۳۴۷: ۶۶).

پروکوپيوس آداب ایرانیان را بسیار سخت‌تصور می‌کند: «ایرانی‌ها از حیث رسوم و عادات‌های خود، مردمان عجیبی هستند و در مراعات قواعد زندگانی روزانه بی‌اندازه دقیق و سختگیرند. قوانین و نظامات ایشان به‌قدری دشوار است که انجام دادن آن از قوه تحمل عامه مردم بیرون است و هیچ‌کس نمی‌تواند کاملاً بر طبق آیین و رسوم ایشان رفتار کند» (پروکوپيوس، ۱۳۴۷: ۲۱۰).

پروکوپيوس در لشکرکشی و عرصه نظامی با ایرانیان مواجهه داشت، اما روحیه دانشورانه و همچنین حقوقی او سبب شده بود، غرض‌ورزی چندانی نسبت به ایرانیان نداشته باشد. درحالی‌که او مانند مارسلینوس، جزئیات زیادی درباره ایرانیان، حتی در حوزه نظامی ارائه نکرد؛ اما نگاهی نسبتاً واقع‌بینانه به ایرانیان داشت.

۹-۱. محورهای هدف

- سنت‌های ایرانی
- اخلاق و رفتار ایرانی
- آداب ایرانی

۹-۲. خصوصیات برجسته

- سنت‌های غذایی
- سنت شمارش تلفات نظامی
- شجاع
- وطن‌دوست
- آداب‌دان
- قوانین و انضباط بسیار

مورخان و نویسندگان یادشده در این پژوهش، هرکدام بر محورهای و خصوصیات توجّه کرده‌اند که موقعیت حضور و مواجهه آنها با ایرانیان، در بررسی و ملاحظه ایشان، بسیار تأثیرگذار بوده است. برای مثال، هرودوت و استرابو که بدون مأموریت‌های نظامی و سیاسی خاص بوده‌اند، به عموم جامعه ایرانی، شامل سنت‌ها، آداب و خصوصیات و عادات توجّه کرده‌اند. آنها نگاهی کنجکاوانه و دقیق به جزئیات داشته‌اند و به نظر می‌رسد تا حدی واقع‌بینانه بررسی کرده‌اند. در مقابل، دیودور سیسیلی و پلوتارک که آنها نیز از منظری ویژه ایرانیان را بررسی کرده‌اند، با رویکردی غرض‌ورزانه به این موضوع پرداخته‌اند. افلاطون نیز بدون اهداف سیاسی و نظامی مشخص، جامعه ایرانی زمان خود را از منظر فلسفه و اندیشه سیاسی بررسی کرده است و طبیعتاً در این میان، خردورزی و هوشمندی حکومت‌داری پادشاهان برجسته هخامنشی را ستوده است.

برخی دیگر مانند آیسخولوس، مارسلینوس، پروکوپئوس و گزنفون به‌واسطه مأموریت‌های خاص با ایرانیان مواجه شده‌اند. آنها به آداب و خصوصیات نظامیان و دربار ایران توجّه نشان داده‌اند؛ هرچند برخی از محورهای و خصوصیات که در نوشته‌های آنها ذکر شده، در بیانات هرودوت و استرابو که به بررسی عمومی جامعه ایرانی پرداخته بودند نیز یافت می‌شود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت بسیاری از این ویژگی‌ها مختص طبقه خاصی نبوده و میان عموم جامعه ایرانی رواج داشته است. در این میان، آیسخولوس نگاهی کاملاً تحقیرآمیز ارائه داده است، گزنفون ارزیابی مثبتی از ایرانیان داشته و مارسلینوس بسیار دقیق، جزئی و هوشمندانه ایرانیان را مدنظر قرار داده است و به‌جز در موارد اندک، در بسیاری موارد با نگاهی تحسین‌آمیز و مثبت به جامعه ایرانی نگریسته است. پروکوپئوس نیز خصوصیات ایرانیان را غرض‌ورزانه بررسی نکرده، اما اظهارنظرهایش محدود بوده است.

موقعیت زمانی بررسی هر مورخ نیز در این میان تأثیرگذار بوده است. برای مثال، بیشتر مورخان که ایرانیان دوره‌های هخامنشی و ساسانی را بررسی کرده‌اند، نگاهی مثبت و تحسین‌آمیز داشته‌اند؛ اما مورخان که هم‌عصر با دوره اشکانی بوده‌اند، گاهی چنین نظری نداشته‌اند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که قدرت امپراتوری وقت نیز در نظرات آنها مؤثر بوده است. به‌ویژه آنکه امپراتوری‌های هخامنشی و ساسانی از بُعد سیاسی و کشورگشایی بسیار برجسته بوده‌اند.

محورهای برجسته مشترک در دیدگاه مورخان و نویسندگان، سنت‌های ایرانی،

خصوصیات ایرانی و آداب ایرانی بوده است. خصوصیات و آداب مشترک برجسته نیز در زمینه‌های ازدواج، جایگاه زنان، فرزندآوری و شیوه تربیت، علاقه به مهارت‌های نظامی، خصوصیات اخلاقی نظیر شجاعت، وطن‌پرستی و عاداتی همچون استبداد و ظلم بوده است.

منابع

استرابو (۱۳۸۲). *جغرافیای استرابو: سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
افکنده، احسان (۱۳۹۵). بازتاب شکل‌گیری دولت ماد در «گفتار مادی» هرودوت. *تاریخ ایران*، ۲(۹)، ۲۳-۱.

افلاطون (۱۳۸۰). *دوره کامل آثار افلاطون*. ترجمه محمدحسن لطفی. ج ۳ و ۴، چ. ۳. تهران: خوارزمی.
آیسنخولوس (۱۳۵۶). *ایرانیان*. ترجمه کامیاب خلیلی. تهران: سروش.
پاکباز، هانیه، میرفخرایی، مهشید، و ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۷). بررسی بخشی از گزارش هرودوت درخصوص آداب و رسوم ایرانیان با آیین زرتشتی‌گری. *معرفت ادیان*، ۱۰(۱)، ۸۵-۱۰۰.
پروکوپيوس (۱۳۴۷). *جنگ‌های ایران و روم*. ترجمه محمد سعیدی. چ. ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

پلوتارک (۱۳۸۰). *ایرانیان و یونانیان به روایت پلوتارک*. ترجمه احمدکسروی. تهران: جامی.
حاکمی، اسماعیل (۱۳۸۳). *اخلاق و تربیت ایرانیان باستان*. حافظ، (۱۱).
رایگانی، ابراهیم (۱۳۹۷). بررسی اوضاع مذهبی و باورهای اعتقادی پادشاهان عصر میانی ساسانی، براساس نوشته‌های پروکوپيوس مورخ رومی. *معرفت ادیان*، ۱۰(۱)، ۱۱۶-۱۰۱.
سنگاری، اسماعیل، مقدس، امیرحسین، و خسروی، عرفانه (۱۴۰۰). *تاریخ نگاری و تاریخ‌نگاری در دنیای باستان*. تهران: دانشگاه تهران.

سیسیلی، دیودوروس (۱۳۸۴). *کتابخانه تاریخی (ترجمه کتاب دوم) سرزمین میان رودان (بین‌النهرین)*، حکومت مادها، آشور. ترجمه و حواشی حمید بیکس شورکایی و اسماعیل سنگاری. تهران: جامی.

عابدی جعفری، حسن، تسلیمی، محمدسعید، فقیهی، ابوالحسن، و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. *اندیشه مدیریت راهبردی*، ۱۰(۲)، ۱۵۱-۱۹۸.

عقیقی، فائزه (۱۴۰۱). تحلیل ویژگی‌های برجسته نظامی ایرانیان باستان از منظر نویسندگان غیرایرانی، نشریه مطالعات تاریخ انتظامی، ۹ (۳۳)، ۱۳۹-۱۵۹.

گزنفون (۱۳۸۴). بازگشت ده هزار یونانی. ترجمه حسینقلی میرزا سالور. به اهتمام مسعود سالور. تهران: اساطیر.

مجتبائی، فتح‌الله (۱۳۵۲). شهر زیبای افاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان. [بی‌جا]: انتشارات انجمن فرهنگ ایران باستان.

محمدپور، احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی ضد روش ۱، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی. ج. ۱. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

نمایشنامه ایرانیان (۱۳۸۹). با مقدمه رضا داوری اردکانی. به اهتمام گروه غرب‌شناسی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

هرودوت (۱۳۳۶). تاریخ هرودوت. ترجمه، مقدمه، توضیحات و حواشی هادی هدایتی. ج. ۱. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

هرودوت (۱۳۸۴). تاریخ هرودوت. ترجمه، مقدمه، توضیحات و حواشی هادی هدایتی. ج. ۳-۶، ج. ۲. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

Marcellinus, A. (1862). Roman History. London: Bohn. Retrieved from: https://www.tertullian.org/fathers/ammianus_23_book23.htm (This text was transcribed by Roger Pearse, (2007). Corrected from print-out. All material on this page is in the public domain - copy freely. Greek text is rendered using Unicode)

Lasserre, F. (2024, April 10). Strabo. Encyclopedia Britannica. Retrieved from: <https://www.britannica.com/biography/Strabo>

Rollinger, R. (2012). Herodotus. *Encyclopedia Iranica*, 12(3), 254-288

Taplin, O., & Podlecki, A. J. (2024, December 19). Aeschylus. *Encyclopedia Britannica*. Retrieved from: <https://www.britannica.com/biography/Aeschylus-Greek-dramatist>

Chaumont, M. L. (2012). Ammianus Marcellinus. *Encyclopædia Iranica*, 1(9), 977-979

Badian, E. (2011). Diodorus Siculus. *Encyclopedia Iranica*, 7(4), 421-422

Tuplin, C. J. (2013). Xenophon. *Encyclopedia Iranica*. Retrieved from: <https://www.>

iranicaonline.org/articles/xenophon

Börm, H. (2013). Procopius. *Encyclopedia Iranica*. Retrieved from: <https://iranicaonline.org/articles/procopius>

Meinwald, C. C. (2024, September 23). Plato. *Encyclopedia Britannica*. Retrieved from: <https://www.britannica.com/biography/Plato>

